



حکمت مجموعه

تأسیس ۱۳۳۱

در این شماره
 انتظار - طبایع الاستبداد کواکبی - راه نو در جهان
 شناسی - تشکیلات در اسلام - کار در اسلام - حکمت احکام -
 سخنی از عالم عرفان - پیشرفت اسلام در آلمان - محمد دیباج -
 اسلام و علم

همکاران این شماره :

دوره چهارم

۴

شماره

بهمین ماه ۱۳۳۹

شعبان ۱۳۸۰

شماره ۷۶

آقای سید محمود طالقانی

« سید علی اکبر برقی قمی

« سید محمود علامه طباطبائی

« مهندس بازرگان

« حیدر علی قلمداران

« سلطان حسین تابنده

« سید هادی خسروشاهی

روزیکہ حضرتش باصحاب مشغول حفر خندق بودند؛ کلنگش برپارہ سنگی فرود آمد و برقی از آن چہید بہ پیروان خویش در آنحال نویددہد کہ قصرهای امپراطوری روم و عجم را دیدم، و فتح خواہم کرد دیری نگذشت پرچم اسلام بر فراز کاخهای روم و ایران باہتر از در آمد. پیشگوئیہایش از ماورای این عالم، از آن عالمی کہ باو وحی میرسید تنظیم میشد و بہ پیروان خود ابلاغ میکرد

بہ پیروان خود نویددہد کہ از صلب من فرزندی بوجود میآید کہ بانیروی معنوی دنیا را از این وحشت و خونریزی نجات دادہ عدل و مساوات را در زمین میگستراند، او دوازدهمین فرزند من میباشد

آری این نوید در نیمہ شعبان ۲۵۵ ہجری هنگام طلوع فجر صورت عمل بخود گرفت و از خانہ فرزند پیغمبر حضرت امام حسن عسکری (ع) خورشیدی طلوع نمود کہ پیشوایان

یکی پس از دیگری تولد او را پیش بینی کردہ و خبر دادہ بودند این مولود کہ ما او را امام زمان میدانیم باہر پروردگار از نظرہا غایب و مطابق گفتار پیغمبر اسلام روزی ظہور میکند کہ تمام دریچہہای اصلاحات بر روی بشر بسته و دنیا را ظلم و جور فرا گرفته باشد، آثار و علائمی نیز برای ظہورش پیش بینی شدہ کہ در کتب معتبرہ ادیان ثبت است

کتابخانہ آذین «القانی و زمانہ ما»

تشکر و امتداز

بعللی پنج ماہ مجلہ مجموعہ حکمت منتشر نشد، در این مدت عدہ زیادن از دوستان و مشترکین محترم مجلہ چہ توسط نامہ و چہ حضوراً اظہار محبت فرمودہ و در انتشار آن با ما همکاری کردند
ضمن تشکر از مراحم آنها از اینکہ در این مدت نتوانستیم بیعضی از نامہا پاسخ دہیم پوزش میطلبیم

طبایع الاستبداد گواگبی

اکنون بی مناسبت نیست که قسمتی از مطالب کتاب طبایع الاستبداد را در اینجا بیاوریم: گواگبی قیافه عمومی محیط استبداد را در صورت حسب و نسب استبداد اینطور بیان میکند: اگر استبداد بصورت مردی درآید و از حسب و نسبش بررسی میگوید: من شرم، پدرم ظلم، مادرم بدی و بد رفتاری، برادرم مکر و حیله، خواهرم درمآندگی، عمویم ضرر، دائی ام زبونی، فرزندم فقر، دخترم بیکاری و ظنم خرابه، خویشاوندم جهل است.

میگوید: مگر نه این است که علماء امت اجماع نموده اند که منکر تر از هر منکر ظلم است، پس چرا نباید از این منکر جلو گیری شود؛ و باید باریشه این منکر مبارزه کرد زیرا تاریشه آن ثابت است ثمرات زهر آگین آن با کمک شیطان بصورت های گوناگون باقی است، بدینجهت باید در اصل و فرع و آثار و نتایج استبداد که ریشه ظلم است بررسی نمود، و در نظر و آراء علماء دین و اجتماع دقت کرد، خلاصه آراء از این قرار است:

عقل و تاریخ و مشاهده گواه است که در محیط استبداد، وزیر بزرگتر همان فرومایه بزرگتر است چنانکه بحسب مقامات و پستها هر که پائین تر است شخصیت بیشتر دارد.

درجات استبداد را چگونه باید بدست آورد؟ مثلا اگر بخواهیم بدانیم که «نردن» ظالمتر و مستبدتر بوده یا «تیمور لنگ»، علماء اجتماع میگویند: درجه استبداد باندازه ترس مستبد و حریم گرفتن از مردم است، چنانکه اندازه عدل زمامدار بحسب امنیت است که در میان مردم دارد.

ملت مسئول است هر حکومت عادلانه ای که از مسئولیت و مؤاخذه مصون

باشد و ملت از جلو گیری و مؤاخذہ غفلت و کوتاہی نماید بزودی مبدل باستبداد می شود و از غفلت مردم و قدرت سپاهی برای کوبیدن ملت استفاده مینماید

مستبد انسان عادی است ، و فرد عادی مردم در میان حیوانات بگوسفند و سگ انس می ورزد ، شخص مستبد دوست دارد که مردم مثل گوسفند شروپشم بدهند و مانند سگ متملق باشند ؛ مردم باید خود را مانند اسب بدانند که اگر خدمت شد خدمت نماید ، اگر آزارش کردند چموشی کند ؛ باید همیشه یار باشد که برای خدمت بمستبد آفریده نشده بلکه مستبد خادم او است .

کدام بیشتر می ترسند مستبد یا ملت ؟ بدون شك ترس ظالم مستبد بیشتر است زیرا ترس او از روی علم است ، و ترس مردم از جهل ؛ ترس او از انتقام بحق است و ترس مردم از توهم و احتمال بیچارگی ، ترس او از جان و قدرت است ، و ترس مردم برای چند لقمه نان و غذاست و زندگی که بآن انس گرفته اند . بدینجهت گاهی مستبد بتظاهر کارهای خوبی انجام میدهد تا چنانکه زندگی و سرمایه های طبیعی مردم را در اختیار دارد دلها را نیز مالک شود .

مستبد هر چه بر ظلم بیافزاید ترس و وحشتش بیشتر می شود تا آنجا که از اطرافیان و سایه خیال خود می هراسد ، بسیاری از مستبدين زندگیشان بدرنگی و دیوانگی ختم شده .

چرا مستبد با علم دشمن است ؟ - مستبد علم را بذاته و از جهت نقابش دوست نمی ارد ؛ چون علم را قدرت و سلطنتی است که از هر قدرتی نیرومندتر است پس ناچار هر گاه که چشم مستبد بروی عالمی بیافتد خود را کوچک می بیند یا بنجهدت نمیخواهد روی عالمی را ببیند و اگر بخواید از عالم روحانی یا طبیب یا مهندس استفاده کند از قرومایه های متملق این دسته ها میگزیند . آنچه بیش از هر چیز میترسد این است که مردم حقیقت آزاد منشی را بشناسند ، و بعظمت و قدرت سازمان نفسی و عزت آن پی برند و بر موز شرافت و حقوق و راه مبارزه با ظلم و بمقام انسانیت و وظائف و مسئولیت آشنا شوند ،

از مکرهای مستبدین، این است که گاهی بنام عدالت از اعمال خود انتقام -
 جوئی میکنند تا همه مردم را خوشنود سازند و هم قدرت مقاومت احتمالی عمال خود را
 خورد کنند هم فرومایه تر از آن شخصی را بجای وی بنشانند؛ مکر و نقشه شیطانى
 دیگر مستبد این است که وسائل عیاشی و خوشی را برای عموم اطرافیان خود فراهم
 میسازد تا آنجا که عادت شود و یکسره تسلیم اراده او شوند و بوسیله آنها ملت را
 ذلیل نماید. همین کار را باسران دینی و دستجات دیگر می نماید بعضی از عمال خود را
 با مال فراوان قدرت میدهد و بانامها و القاب و نشانها آنها را مفتخر و مردم را مرعوب
 مینماید و دست ظلم عمال خود را باز میگذارد تا مردم را از آنها متنفذ گردانند و
 چاره ای جز پشتیبانی و اجراء منویات او نداشته باشند، این قسمتی از مطالب
 کواکبی است درباره طبیعت و خوی استبداد، و مطالب و تحقیقات بیشتر و عمیقتری
 دارد که در آن بطول می انجامید، و بیحتمل این کتاب تأثیر استبداد در دین و
 علم و شرافت و اخلاق و تربیت است، و خطرناکتر این است که ملتیکه مدتها در زیر
 فشار ظلم و استبداد بسر بردن لذت برای آن طبیعت ثانوی میگردد و دیگر احساس
 عزت نمیکند بلکه مفهوم عزت و شرف را درک نمی نمایند

در برابر حکومت استبدادی ظالمانه حکومت عدل و قانون است چنین حکومتی
 خود را انگهدار و مجری قانونی میدانند که بسود همه و برای همه است و در سایه آن استبداد
 های مادی و معنوی ملت ریشه می نماید و حاکم و عمال آن زاملت از خود میدانند و در
 حدود قانون همه آزادند و در برابر آن همه یکسانند و امین بر مال و جسم و اخلاق و
 شرافت ملت است، در تاریخ کم و بیش نمونه های بسیاری دارد و همین دلیل بر
 آنست که وجود آن ممکن است ولی خواستن و خواستگاری این جماعتی مهرش
 هشیاری و فداکاری ملت است، چنین محیط عادلانه سایه بهشت است که گویا
 همه مردم در خوشی و لذت جاویدان بسر می برند، و ترس و نگرانی در میان
 مردم نیست.

کتاب دیگر مرحوم سید کواکبی کتاب «ام القرى» است، این کتاب را بعد

از تطبیح الاستبداد نوشته است ، کواکبی بعد از مسافرتهائی که بکشورهای اسلامی نمود و از نزدیک وضع عالم اسلام و مسلمانان را برسی کرد و بعلل عمومی و خصوصی انحطاط مسلمانان برخورد متوجه شد که علت فقر عمومی مسلمین تفرقه و اختلاف است ، و رفع آن بدست حکومتها ممکن نیست زیرا حکومتها محکوم سیاستهای روز هستند و هیچگاه نمیتوانند برای همیشه با هم نزدیک باشند بلکه برای دوام حکومت خود اختلافات را دامن میزنند ، چنانکه گفته شد فکر اجتماع و شورای اسلامی از آیات قرآن و روش رسول اکرم ﷺ سرچشمه گرفته است در این کتاب محل و چگونگی این اجتماع را طرح نموده ، بعضی این کتاب را داستان تخیلی میدانند ولی گویا در مسافرت حج چنین اجتماعی صورت گرفته ولی بصورت کوچک و ساده ای ، و بعضی از نمایندگان کشورهای اسلامی در آن بوده اند آنگاه این صورت کوچک را در کتاب ام القری (مکه مکرمه) تکمیل نموده و مفصل تر آورده ، در این کتاب از زبان علماء و مردان متفکر اسلامی وضع پنجگانه سال پیش کشورهای اسلامی را ممثل کرده و دردها و گرفتاریهای هر یک از محیطهای اسلامی را بیان نموده و راههای علاج را برسی کرده ، همین کتاب است که متشأ فکر و نظریه مؤتمر های اسلامی شده و از خیال بتدریج بصورت واقعی می یابد و انشاء الله بخیر و خدمت مسلمانان قیام مینماید .

طالع يك ستاره در عالم مطبوعات

نشریه ای سونمند که حاوی مقالاتی متین و گراور هائی از آثار تاریخی و اشیاء نفیس موزه حضرت ثامن الائمه از طرف آستانه قدس رضوی منتشر و دو شماره آن بدفتر مجله رسید
استفاده از این نشریه را بعموم دوستداران علم و ادب توصیه و مرقفیت نیز ایت تولیت عظمی و مدیر محترم و هیئت تحریریه آن را آرزو مندیم

« کتابی که بنام راه نو درجه‌شناسی بنظر خوانندگان گرامی مجله میرسد نظریه جدیدی است درباره جهان و هیئت عالم که در سال ۱۳۳۵ علامه پدربزرگوارم آقای سیدعلی اکبر برقی قمی تألیف فرموده و اینک بدرخواست جمعی از فضلا و دانشمندان در معرض افکار قرار میگیرد .

مؤلف معظم در این کتاب کوشیده اند نظریه خود را در قالب عباراتی ساده و شیوا و دلنشین که درخور فهم عموم باشد برشته تحریر در آورند امید است که خوانندگان آنرا بدقت مطالعه فرمایند و در باره مطالب آن پیرامون تعصب نگردند

سید محمد باقر برقی

راه نو در جهان شناسی

بارالها بنام تو دادگر ادر پناه تو

پیش گفتار

من هیئت عالم را آنطور که بنیان گزاران هیئت قدیم و هیئت جدید شناختند نشناختم زیرا نه هیئت جهان را چنانکه گفتند یافتیم و نه دلایلی را که بر اثبات نظریه خویش اقامه کردند کافی وقانع کننده تشخیص دادم .

در اینصورت من جز اینکه در جستجوی راهی باشم که عقلم آنرا بپذیرد و قلبم بآن مطمئن گردد چه راه دیگری را میتوانستم بروم ؟

اما گردانیدن راه خود از راهی که نوابغ علم رفته اند و ملیونها معتقد بدنبال چنان نوابغی در حیرت کمتند کار سهل و آسانی نبود تا چه رسد بی یافتن راهی از نو بخصوص راهی که اثری از جای پای رونده در آن دیده نمیشد .

با اینوصف ترسی بخویشتمن راه ندادم و در جستجوی حقیقت و یافتن راه حق افتادم و بخاطر گذراندم سختی را که آن گوینده بزرگ گفت که : « از تك روی باك